



تأثیر نظام مالیاتی فاطمیان بر امنیت اقتصادی مصر

وجیهه گل مکانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵

چکیده

بررسی تاریخ اقتصادی مسلمانان نشان می‌دهد نظام مالیاتی کارآمد به عنوان یکی از مهمترین ابزار تأمین اهداف اقتصادی اسلام به ویژه ارتقاء سطح امنیت اقتصادی است و مورد توجه حاکمان مسلمان از جمله خلفای شیعی مذهب فاطمیان در مصر بوده است. دوره خلافت فاطمیان مصر، عصر طلایی مذهب اسماعیلی است که در طی آن اسماعیلیان موفق شدند دولتی مرفه از آن خویش پدید آورند و یکی از مظاهر تمدنی اسلام، یعنی شکوفایی اقتصادی را به نمایش بگذارند. در این نوشتار تلاش شده با بررسی نظام مالیاتی عصر اول خلافت فاطمی، به این سؤال اساسی پاسخ دهیم که اصلاحات نظام مالیاتی فاطمیان چگونه بر تأمین امنیت اقتصادی مصر تأثیر گذاشته است؟ یافته‌های پژوهش مبتنی بر روش توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی نشان می‌دهد اصلاحات فاطمیان در نظام مالیاتی مصر به ویژه در شیوه‌های مالیات ستانی، نحوه مصرف مالیات‌های شرعی و حذف آن‌ها در مواقع بحران‌های اقتصادی، برقراری معافیت‌های مالیاتی در بخش تولید، تعدیل مبالغ مالیاتی بنا به اقتضائات سیاسی و اقتصادی، توسعه دیوان‌های مالی و اقتصادی، بازتعریف مالیات‌های جدید موسوم به مالیات‌های مکوس، قطع وابستگی مالیات‌های مکوس به بلایای طبیعی و بهینه کردن مخارج دولتی و توازن بودجه بر افزایش امنیت اقتصادی مصر مؤثر بوده است.

کلید واژگان: فاطمیان، امنیت اقتصادی، مالیات‌ها، شیوه‌های مالیات ستانی،

مکوس.

۱. دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران / golmakani14@gmail.com

* گل مکانی، وجیهه. (۱۴۰۲). «تأثیر نظام مالیاتی فاطمیان بر امنیت اقتصادی مصر»، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۳، صص ۶۴-۳۵.



مقدمه

حکومت شیعیان اسماعیلی مذهب فاطمی در اواخر قرن سوم هجری در مغرب اسلامی طلوع کرد و پس از حدود شش دهه دعوت و تبلیغ به مصر رفت، در آنجا استحکام یافت و حدود دویست و هفتاد سال خلافت کرد. مصر در آستانه ورود سردار فاطمیان، بر اثر بحران‌های سیاسی متعدد، در شرایط اقتصادی نامتعادلی قرار داشت. در دهه‌های پس از سقوط طولونیان، کشمکش‌های پیاپی والیان متعدد عباسی بر سر قدرت، صدمات مهلکی بر ساختار اقتصادی وارد کرده بود، به طوری که بحران‌های اقتصادی مداوم و پی در پی در این منطقه و عدم توانایی اخشیدیان در مهار این بحران‌ها، زمینه پذیرش فاطمیان در مصر، را فراهم کرد. برخی از پژوهشگران علت اصلی گرایش مردم به فاطمیان را در این زمان، نیاز به امنیت، به ویژه امنیت اقتصادی دانسته‌اند. فاطمیان پس از آنکه موقعیت خود را مستحکم ساختند، توجه فراوانی به فعالیت‌های اقتصادی مبذول داشتند و در جهت تحقق اهداف اقتصادی اسلام (عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و رونق اقتصادی) گام‌های مؤثری برداشتند. منابع تاریخی، ثروت و رونق اقتصادی مصر فاطمیان، عدالت و امنیت اقتصادی این حکومت را به وضوح به تصویر کشیده‌اند، اما در این مقاله تنها به امنیت اقتصادی مصر در این زمان و ارتباط آن با نظام مالیاتی آنان خواهیم پرداخت. امنیت اقتصادی وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه و دولت، احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف پردازند (گودرزی و اله‌دادی، ۱۳۹۸، ۴۵). با توجه به این که اکثر مردم مصر در هنگام حکومت فاطمیان بر این سرزمین سنی مذهب بودند و نظام مالیاتی این حکومت مبتنی بر فقه اسماعیلی استوار شده بود این سؤال اساسی پیش



روی محققان تاریخ فاطمیان قرار می‌گیرد که نظام مالیاتی دوره خلافت فاطمیان شیعی مذهب چگونه توانست امنیت اقتصادی مصر را تأمین کند؟ تبیین این دوگانه تاریخی و ردیابی چگونگی تأثیرگذاری نظام مالیاتی فاطمیان بر امنیت اقتصادی مصر، هدف این مقاله است. در این پژوهش بر اوضاع اقتصادی فاطمیان از زمان ورود فاطمیان به مصر (۳۶۳ ق) تا پایان دوره المستنصر بالله (۴۸۵ ق) تمرکز شده است و هر کجا از عصر اول فاطمیان نام برده شده، همین بازه زمانی مدنظر می‌باشد. مسائل اقتصادی مصر به ویژه در عصر اول فاطمیان، موضوع محوری مطالعات جدیدی از جمله «التشیع المصری الفاطمی» اثر حسن محمد صالح، «تاریخ الدولة الفاطمیه» نوشته محمد جمال‌الدین سرور، «رؤية الرحالة المسلمين للاحوال المالية و الاقتصادية لمصر فی العصر الفاطمی» از امینه أحمد امام الشوریجی، «دولة الفاطمیه فی مصر، تفسیر جدید» نوشته ایمن فؤاد سید، «تاریخ تشکیلات در اسلام» از شهیدی پاک و «مجاجعات مصر الفاطمیه، اسباب و نتایج» اثر احمد السیدالصاوی قرار گرفته‌اند که غالباً به توصیف اوضاع اقتصادی این دوره پرداخته‌اند اما در صدد تبیین راهکارهای فاطمیان برای تأمین امنیت اقتصادی از طریق نظام مالیاتی، برنیامده‌اند. در زمینه امنیت اقتصادی دوره فاطمیان تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و پژوهش‌هایی مانند «موقعیت تجاری افریقیه و مغرب و نقش آن در تأسیس خلافت فاطمی» از محمد علی چلونگر، «تاریخ القاهرة الاقتصادية و العلاقات الاقتصادية بین الشرق و الغرب» از سلیمان مصطفی زبیس، «تشکیلات اقتصادی فاطمیان در مصر» از حمید رضا وردی، «مالیه مصر من عهد الفراعنه الی الآن» از عمر طوسون و «النظام المالی فی مصر خلال العصر الفاطمی» از ثامر لفته حسن الساعدی نظام مالیاتی مصر در دوره فاطمیان را بدون تمرکز بر ارتباط آن با مقوله امنیت اقتصادی مورد تفحص قرار داده‌اند.





منابع مالی فاطمیان یک. مالیات‌های شرعی

مالیات‌های شرعی حکومت فاطمیان همانند سایر دولت‌های اسلامی به دو دسته تقسیم می‌شد: نوع اول عبارت بودند از زکات و خمس که مصارف آن‌ها توسط شرع مشخص شده است و خلفای فاطمی منابع درآمدی آن‌ها را در جای خود به مصرف می‌رساندند. نوع دوم عبارت بودند از: خراج، جزیه و عشور که مصارف عام داشتند و به صلاح‌دید امام خلیفه فاطمی، به‌عنوان حاکم اسلامی برای مصالح عمومی هزینه می‌شد (رک. غفاری، ۱۳۸۶، ۹۶-۷۲). فقهای مسلمان درآمدهای شرعی بیت‌المال را منحصر به این دو دسته منابع مالی می‌دانند و هرگونه وضع مالیات خارج از این انواع در نزد آنان غیرشرعی تلقی می‌شود (سید، ۱۴۰۰، ۴۶۹). مالیات‌های شرعی بیشتر نقش تأمین‌کننده امنیت اقتصادی برای جامعه مسلمان یا پیروان مذاهب مختلف اسلامی به‌طور خاص را دارند. انواع زکات و خمس از جمله راه‌حل‌های اسلام برای تعدیل ثروت و جلوگیری از تمرکز آن در دست ثروتمندان است. با توجه به آنکه بسیاری از شورش‌ها و اعتراضات اجتماعی ریشه در نابرابری‌های اقتصادی دارند، مالیات‌هایی مانند زکات که نقش تعدیل‌کننده در نظام اقتصادی ایفا می‌کنند در واقع بخشی از نظام امنیتی اسلام در بعد اقتصادی هستند و نه منبع درآمدی برای حکومت‌ها؛ زیرا از اغنیا گرفته شده و به فقرا داده می‌شود (سرور، ۱۹۶۵، ۱۰۷).

الف. تأمین امنیت اقتصادی در اخذ و مصرف مالیات‌های خمس و زکات
با وجود مشخص بودن موارد مصرف زکات و شرح آن‌ها در کتاب دعائم‌الاسلام قاضی نعمان و تأکید وی بر رعایت مصارف زکات در کتاب «الهمة فی آداب اتباع

الأئمة» (قاضی نعمان، بی تا، ۶۷)؛ در عین حال قاضی نعمان دست امام را باز می‌داند که درباره زکات، مطابق صلاح‌دید خود و با توجه به مشکلاتی که برای جامعه وجود دارد عمل کند (قاضی نعمان، بی تا، ۳۳۴). در دوره فاطمیان، انواعی از زکات به نام‌های نجوی، دینار الهجره و درهم الفطره نیز وجود داشت که پیروان اسماعیلی مذهب به داعی می‌پرداختند که نهایتاً به امام یعنی خلیفه فاطمی می‌رسید (مونس، ۱۳۹۰، ۶۴/۲) به‌نوشته ابن طویر این زکات از مردم فسطاط، قاهره و توابع آن مخصوصاً صعيد مصر گرفته می‌شد و مبلغ آن سه و یک‌سوم درهم بود (ابن طویر، ۱۴۳۰ق، ب ۱۱۲/۳). فاطمیان مبنای شرعی این زکات را آیه ۱۲ سوره مجادله می‌دانستند.^۱ خلیفه المستنصر به‌عنوان امام فاطمی در منشوری که در ربیع‌الاول سال ۴۸۰ صادر کرد درباره زکات نجوی و فطره می‌گوید: این صدقات بر هر مؤمن واجب است و امیرالمؤمنین همچنین خواستار پر کردن بیت‌المال هم نیست؛ بلکه می‌خواهد تا اعمال صالح مؤمنان را ارتقاء بخشد (ماجد، ۱۹۵۴، ۱۲۲).^۲ قاضی نعمان در کتاب «الهمة فی آداب أتباع الأئمة» بخشی را با عنوان «ذکر ما يجب للائمة الصادقین اخذه من اموال المؤمنین و المؤمنات» به واجبات مالی پیروان ائمه اختصاص داده است (رک. قاضی نعمان، بی تا، ۷۳-۶۶)؛ اما در آن، درباره مالیات‌هایی مانند الهجره، البلغه و الفطره (مونس، ۱۳۹۰، ۶۳/۲) چیزی نیامده است، با وجود آنکه دینار الهجره و درهم الفطره از جمله واجبات مالی اسماعیلیان محسوب می‌شود. دینار الهجره و درهم الفطره از جمله مالیات‌های شرعی اسماعیلیان محسوب می‌شد که حمدان بن اشعث وضع کرده بود (نویری، بی تا، ۲۵/۱۹۳). اسماعیلیان دینار الهجره را به امام می‌دادند (مقریزی، ۱۳۸۷، ۱/۱۵۶) و با توجه به تقسیم‌بندی

۱. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدْتُمُو بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِك خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

۲. سجل شماره ۳۶.



اسماعیلیان از مناطق تحت سلطه خود به چندین جزیره، این مالیات برای رفع نیاز اولیایی بود که از مناطق و جزایر مختلف دعوت به دارالهجره مهاجرت می کردند. «البلغه» نیز نوعی دیگر از واجبات مالی اسماعیلیان بود که مبلغ آن هفت دینار بود (مقریزی، ۱۳۸۷، ۱۵۶/۱).

قاضی نعمان در کتاب «افتتاح الدعوة» متن نامه‌ای را آورده است که زیاده الله اغلی به مردم افریقیه نوشته و در آن ابو عبدالله شیعی را کافر صنعانی و تبدیل کننده دین خدا دانسته است (قاضی نعمان، ۱۴۲۶ق، ۱۱۵). زیاده الله یکی از علل انحراف ابو عبدالله از دین را اخذ اموالی از مسلمانان با عناوین دینارالهجره و درهم الفطره می داند (قاضی نعمان، ۱۴۲۶ق، ۱۱۷) که تا آن زمان برای مردم افریقیه ناشناخته بوده است. ایوبیان هم منابع درآمدی شرعی از نوع زکات به نام الزکاة الخلیطین داشتند که ابن مماتی درباره آن توضیح می دهد (ابن مماتی، ۱۴۱۱ق، ۳۱۷). این نشان می دهد که نوع از مالیات های شرعی مختص به حکومت فاطمیان نیست.

نمی توان ادعا کرد که فاطمیان، از مالیات های شرعی ویژه اسماعیلیان به عنوان منبع درآمد مالی در هنگام بحران های اقتصادی استفاده می کرده اند، زیرا گزارش های تاریخی نشان می دهند اتفاقاً در مواقع تنگناهای اقتصادی، خلفای فاطمی این مالیات ها را به جهت رفاه حال مردم می بخشیده اند. چنین عملکردی نشان می دهد امنیت اقتصادی نسبت به خود اخذ مالیات های شرعی در اولویت بوده است و وضع و حال پیروان اسماعیلی مورد توجه خلفای فاطمی قرار داشته است. در صفر سال ۳۹۸ ق الحاکم، اخذ خمس، نحوی و الفطره را لغو کرد (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۸۲/۲) در حالی که قبل از آن، همواره این اموال دریافت می شد (مقریزی، ۱۴۲۹ق، ۵۰/۲) در سال ۴۰۰ ق

نیز مالیات‌های شرعی مانند خمس، نجوی و فطره را هم به منظور کمک به رعایت حال مردم بخشید (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۸۲/۲).

خلیفه فاطمی، المستنصر هم در دوره شدت عظمی، مالیات‌های خاص اسماعیلی را لغو کرد، زیرا در این دوره، راه‌ها امنیت لازم را برای انتقال اموال اسماعیلیان به دربار خلیفه نداشت و اموال مردم ضایع می‌گشت. از نامه‌ای که مستنصر در ذی‌قعدة سال ۴۶۸ ق به حاکم یمن (علی‌بن محمد صلیحی) نوشته، استفاده می‌شود که یمن در طول سنوات شدت عظمی، این مالیات‌ها را نفرستاده است (ماجد، ۱۹۵۴، ۱۸۹-۱۸۸). پس از شدت مستنصریه امنیتی که بدرالجمالی به وجود آورد سبب شد تا پیروان امام، بار دیگر مالیات‌های شرعی خود را برای او بفرستند «این امر از ستایش فراوان و اظهار سپاسگزاری و تشکر امام از آنچه بدر انجام داده است هویداست و عیناً در چند نامه‌ای که در این دوره از سوی امام به جامعه اسلامی پیروانش در یمن نوشته شده است و خوشبختانه جزو مجموعه بزرگی از نامه‌های او به نام سجلات‌المستنصریه باقی مانده، انعکاس یافته است. خلاصه کلام آنکه هم مصر به طور کلی و هم امام شخصاً در دوره جدیدی با رونق و رفاهی که نتیجه اقدامات بدر بود، روبه‌رو شد» (واکر، ۱۳۹۸، ۹۰).

خمس از جمله منابعی است که اساس اولیه آن از غنائم دریافت می‌شده است. تشریح قانون خمس در اسلام، در هنگام جنگ بدر در سال دوم هجری و پس از گردآوری غنائم آن صورت گرفت و اساس آن را آیه ۴۱ سوره انفال تشکیل می‌دهد. به موجب این آیه، یک‌پنجم از آنچه غنیمت به شمار می‌آید، به خدا و رسول خدا ﷺ و ذوی‌القربی و سه گروه دیگر یعنی یتیمان، فقرا و درراه‌ماندگان اختصاص یافت. برداشت علمای شیعه در مورد کلمه «غنمتم» با توجه به معنای لغوی و روایات وارده از نبی اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، هرگونه دستاورد اقتصادی را شامل می‌شود (حرعاملی،



۱۴۰۹ق، ۴۹۰/۹). در مقابل فقهای عامه «غنتم» را منحصر بر غنائم جنگی دانسته (ابویوسف، ۱۳۳۵، ۳۱؛ ابوعبید، بی تا، ۳۸۴) یا اضافه بر آن را مشتمل بر گنج و احياناً معدن نیز می دانند (ابوعبید، بی تا، ۴۲۱).

در کتاب «دعائم الاسلام» قاضی نعمان بخش جداگانه‌ای به عنوان خمس و احکام آن وجود ندارد و تنها در باب جهاد به احکام غنائم پرداخته است (قاضی نعمان، ۱۴۲۶ق، ۳۸۲)؛ اما در کتاب «الهمة فی آداب أتباع الأئمة» با ذکر این مطلب که صدقات بر اهل بیت روا نیست، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که درباره خمس چنین می فرماید: «خمس متعلق به ما اهل بیت است و مردم از آن سهمی ندارند. ما در چهار پنجم غنائمی که در به دست آوردن آنها با مردم شرکت داشته‌ایم سهم هستیم و یک پنجمش هم اختصاص به ما دارد و از آن به ایتم و فقرا و در راه ماندگان خویش می دهیم و این افراد و ما در صدقات سهمی نداریم» (قاضی نعمان، بی تا، ۶۹-۶۸). حکم فقهی او در زمینه خمس شبیه امامیه است و غنیمت را به آن چیزی که از مشرکان گرفته شود اختصاص نمی دهد و آن را شامل هر درآمدی می داند که انسان به دست می آورد (قاضی نعمان، بی تا، ۶۹). خمس نیز همانند سایر مالیات‌های شرعی در مواقع بحران‌های اقتصادی به صلاحدید خلفای فاطمی بخشیده می شد همان طور که در قحطی سال ۴۰۰ ق. خمس نیز به منظور کمک به رعایت حال مردم بخشیده شد (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۸۲/۲).

ب. تأمین امنیت اقتصادی در اخذ و مصرف مالیات‌های جزیه، خراج و عشور
جزیه (مالیات سرانه) هم یکی از منابع مالیات‌های شرعی بود و از غیرمسلمانانی که تحت لوای حکومت اسلامی زندگی می کردند؛ ولی مایل نبودند مسلمان شوند، به صورت سالیانه اخذ می شد. در مقابل حکومت اسلامی نیز خدمات اقتصادی،

اجتماعی، رفاه و امنیت برای ایشان فراهم می‌کرد (صدر، ۱۳۷۴، ۱۱۳). مبلغ جزیه هم در صدر اسلام و هم در دورهٔ پس از آن، سطح‌بندی داشته و بنا به توانایی پرداخت‌کننده متغیر بوده است. این امر در همهٔ حکومت‌های اسلامی مراعات می‌شده است و از شاخص‌های مهم توجه به امنیت اقتصادی اهل ذمه محسوب می‌شد. مخزومی و ابن‌ممتی هر دو دربارهٔ جزیه در قرن ششم نوشته‌اند که جزیه سه سطح داشته است: از ثروتمندان چهار و یک‌ششم دینار، از طبقه متوسط دو دینار و دو قیراط و از کسانی که وضعیت اقتصادی ضعیف داشتند یک دینار و پنج‌هشتم دینار گرفته می‌شد (ابن‌ممتی، ۱۴۱۱ق، ۳۱۸؛ مخزومی، ۱۹۸۶، ۳۵). به علت رواداری مذهبی فاطمیان با اهل ذمه، جمعیت زیادی از آنان در قلمرو فاطمیان زندگی می‌کردند (تطیلی، ۲۰۰۲، ۷۵)؛ چنانکه اکثر ساکنان تنیس، شطا و دمیاط که شهرهای پررونق اقتصادی هم به شمار می‌آمدند، از نصارا بودند (حمیری، ۱۹۸۴، ۱۳۷) و در شهرهای بلیس و اسکندریه هم شمار زیادی یهودی سکونت داشتند (حموده، ۲۰۱۴، ۵۹). ابن ایاس نیز از وجود هفت هزار یهودی گزارش می‌دهد که در زمان الحاکم به سیاست‌های او علیه اهل ذمه واکنش نشان دادند (ابن‌ایاس، بی‌تا، ۱۹۸/۱). بنابراین با توجه به گزارشات فوق می‌توان حدس زد که عایدی فاطمیان از مالیات جزیه باید بالا بوده باشد.

نوع دیگر از انواع مالیات‌های شرعی، عشور یا مالیات بر تجارت نام داشت. این مالیات از کالاهای تجاری غیرمسلمین، هنگام ورود و خروج به مناطق اسلامی، گرفته می‌شد (ابویوسف، ۱۳۳۵، ۱۴۹-۱۴۸). فاطمیان در اخذ جزیه، خراج و عشور همان اصول اساسی قوانین اسلامی را مبنای قرار داده و مطابق آن عمل می‌کردند؛ اما جزئیات شکل و نحوهٔ مالیات‌ستانی از همان ابتدا با توجه به شرایط اقتصادی تعریف می‌شد و شرایط



لازم برای تأمین امنیت اقتصادی مورد ملاحظه بود. شاید بتوان گفت نزدیک‌ترین منابع به زمان فاطمیان که تصویری از سازمان مالیاتی این حکومت را به شکل منظمی ترسیم کرده‌اند، «المنهاج فی احکام خراج» مخزومی و «قوانین الدواوین» ابن مماتی هستند. مخزومی در دسته‌بندی مالیات‌های شرعی (به جز زکات) تصویر زیر را از نظام مالیاتی مصر نشان می‌دهد. او درآمدهای شرعی بیت‌المال را به سه دسته تقسیم کرده است: اول «مال خراجی» که عبارت است از آنچه سالیانه از زمین‌های دارای کشت و زرع، خرما، باغ‌ها و تاکستان‌ها گرفته می‌شد و خود بر دو نوع بود: خراجی الزراعة و خراجی البساتین. این نوع خراج با سال شمسی یا قمری تنظیم می‌گردید. دوم «اموال هلالی» نام داشتند که ماهیانه دریافت می‌شدند و چهار نوع بود: جوالی (جزیه)، زکات، رباع و آنچه از بازرگانان خارجی گرفته می‌شد. استخراج جزیه از محرم سال قمری تنظیم می‌شد. زکات بر حسب سال قمری البته از همان ماه که تملک صاحب آن آغاز شده بود حساب می‌شد. رباع و مانند آن که اجارهٔ املاک مسقف نظیر دکان‌ها، گرمابه‌ها، تنورها، آسیاب‌ها و حتی منازل متعلق به حکومت به آن ملحق می‌شد نیز بر حسب سال قمری بود (مخزومی، ۱۹۸۶، ۳۴). گزارش‌های تاریخی دربارهٔ اجارهٔ املاک سلطانی در عصر فاطمیان نشان‌دهندهٔ نوعی نظام ملکی حکومتی با درآمد زیاد است (ناصرخسرو، ۱۳۳۵، ۵۵-۵۴). یک تاجر خارجی نیز گزارش می‌دهد در سال ۴۹۶ ق اجارهٔ یکی از این اقامتگاه‌های دولتی که خود و خانواده‌اش در آن ساکن شده بودند ماهیانه ۳۰۰ دینار بوده است (Goitein, 1954, 791). دستهٔ سوم مالیات‌هایی بودند که سال ویژهٔ مالیاتی آن‌ها با ماه‌های قمری و خراجی (شمسی) تفاوت داشت و ۱۳ ماهه بود مانند: مالیات‌های کشتی‌های روان در نیل و گاوهایی

که برای شخم‌زدن به کار گرفته می‌شدند و همچنین گاوهای خرسی (منسوب به منطقه‌ای در مصر) (مخزومی، ۱۹۸۶، ۳۴).

دو. مالیات‌های غیر شرعی (مکوس)

مالیات‌های دیگری غیر از آنچه ذیل مالیات‌های شرعی فوق‌الذکر تعریف می‌شد و در زمان فاطمیان برای رفع نیازهای بیت‌المال و مخارج حکومتی وضع گردید، مکوس (عوارض گمرکی) نام داشتند که غالباً مربوط به کالاهای تجاری بودند. مقریزی «الاموال الهالیه» را نوعی عوارض گمرکی معرفی می‌کند که نه تنها شامل مالیات بازرگانان خارجی می‌شود بلکه هر گونه واردات و صادرات تجار مسلمان و غیر مسلمان را هم در بر می‌گرفت. وی معتقد است این نوع مالیات در عهد فاطمیان احیا شده و در این زمان به مکوس معروف بوده است (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۹۷/۱)؛ اما در واقع مکوس شامل همه نوع مالیاتی بود که از کالاهای وارداتی و صادراتی گرفته می‌شد (ماجد، ۱۹۵۳، ۱۱۷).

الف. تأمین امنیت اقتصادی از طریق وابستگی کمتر مالیات‌های

مکوس به بلایای طبیعی

با توجه به آنکه مکوس همه انواع مالیات‌های وضع شده بر کالاهای تجاری در صادرات و واردات را شامل می‌شد و منحصر به محصولات کشاورزی نبود وابستگی کمتری به خشکسالی و سیل و کم و زیاد شدن مقدار آب نیل داشت. در میان عوامل طبیعی زمینه ساز بحران‌های اقتصادی مصر، رود نیل و دگرگونی‌های آن، از اهمیت خاصی برخوردار بود. کشاورزی به‌عنوان شاهرگ حیات اقتصادی آن دوره در سرزمین مصر، علاوه بر توجه حکومت به فراهم کردن امکانات لازم برای توسعه آن،





به مقدار آب نیل هم بستگی داشت. به گفته مورخین «در سرزمین مصر، برف و باران نیست» (جهانی، ۱۳۸۶، ۷۵) و اگر بارانی باشد بسیار ناچیز است. همه آبدی‌های آن در تابستان و زمستان وابسته به آب نیل هستند. یعقوبی در بلدان می‌نویسد: «مصر و همه آبدی‌های آن در تابستان و زمستان از آب نیل مشروب می‌شود... چه در سرزمین مصر جز اندکی باران نمی‌آید، مگر باران‌هایی که در سواحل می‌بارد» (یعقوبی، ۱۳۵۶، ۱۱۸/۱). به همین دلیل، هم رفاه مردم و هم عایدات دولت به مقدار آب نیل وابسته بود. به کارگیری راه‌حلی به منظور کاهش وابستگی منابع درآمدی حکومت به بلایای طبیعی از جمله افزایش و کاهش آب نیل یکی از تدابیر قابل توجه حکومت فاطمیان برای تأمین امنیت اقتصادی به ویژه در حوزه توازن بودجه به شمار می‌رود.

ب. تأمین امنیت اقتصادی از طریق امکان برقراری معافیت‌های مالیاتی بخش تولید

کارکرد دیگر مالیات‌های مکوس این بود که خلفا هنگام بروز بحران‌های اقتصادی، به منظور تأمین امنیت اقتصادی در بخش تولید، متناسب با علل و زمینه‌های بروز بحران، بخشی از مالیات‌های مکوس را موقتاً ملغی اعلام می‌کردند تا تولید در بخش‌های صدمه‌دیده با کاهش هزینه‌ها از جمله هزینه‌های مالیاتی، بهبود یابد و همچنین رفاه حال مردم در نظر گرفته شده و رضایت آنان کسب گردد. در سال ۴۱۵ق و در بجهوه بحران گندم در مصر، دواس بن یعقوب که محتسب مصر در زمان الظاهر بود، بخشنامه‌ای را تنظیم و اجرا کرد مبنی بر کاهش مالیات‌ها از همه انواع غلاتی که در سواحل مصر خرید و فروش می‌شد. این تدبیر توانست موجب پایین آمدن قیمت و میزان عرضه آرد شود (مسبحی، ۲۰۱۴، ۸۶/۴۰) این نوع مالیات‌ها

(مکوس) همچنین می‌توانست بر حسب نیازهای حکومت در هر سال و با بررسی میزان کسری بودجه، درآمدها را به تعادل برساند. فاطمیان معمولاً در ذی‌حجه هر سال بودجه سالیانه خود را تنظیم و برای تطبیق درآمدها و هزینه‌ها تصمیم‌گیری می‌کردند (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۶۲/۴).

در طول دوران فاطمیان، حداقل ۸۰ نوع عوارض از تجار اخذ می‌شد که در طول سال بالغ بر ۱۰۰ هزار دینار بود. مشهورترین این عوارض «مکس‌البهار» یا عوارض ادویه‌جات بود. مقریزی در خطط، لیستی هشتادتایی از انواع این عوارض را آورده است (مقریزی، ۱۳۹۷، ۳۸-۳۹/۲). احتمالاً تعداد این مالیات‌ها بیش از آنچه باشد که مقریزی آورده است و بر هر تولید یا تجارتنی که در آمد بالایی داشته، تعلق می‌گرفته است. این گمان از نوشته مقدسی که مالیات را بر همه مراحل تولید و خرید و فروش پارچه‌های شطانی در شهرهای تنیس و دمیاط دیده است تقویت می‌شود (مقدسی، ۱۳۶۱، ۳۰۶/۱-۳۰۵). آدام متر ادعا می‌کند فاطمیان از همه‌چیز به جز هوا عوارض می‌گرفته‌اند (متر، ۱۳۸۸، ۱۴۸). ظاهراً چنین دیدگاهی نسبت به مالیات‌ستانی فاطمیان صحیح نباشد، زیرا اگر چنین مالیات‌های سنگینی فقط برای افزایش درآمدهای مالیاتی و بدون سنجش هزینه-فایده آن گرفته می‌شد، مصر شاهد شکوفایی و رونق اقتصادی در دوره فاطمیان نبود. احتمالاً تحلیل ابن‌حوقل درباره مالیات‌های تنیس در این دیدگاه‌ها تأثیر گذاشته باشد. ابن‌حوقل برنامه‌ریزی و شروع جدی مالیات‌ستانی فراگیر از طریق عوارض را به ابن‌کلس وزیر نسبت می‌دهد (ابن‌حوقل، ۱۹۳۸، ۱۵۳/۱).



ج. تأمین امنیت اقتصادی از طریق امکان تعدیل مبالغ مالیاتی بنا به

اقتضانات سیاسی و اقتصادی

در دوره فاطمیان مکان‌های خاصی، به اخذ عوارض گمرکی مالیات‌های مکوس اختصاص داشت. عوارض کالاهایی که از راه‌های زمینی حجاز، فلسطین، شام و بلاد مغرب به مصر وارد می‌شد در داخل شهرها گرفته می‌شد و مالیات کاروان‌هایی که از طریق صحرا از سودان می‌آمدند، در اولین نقطه دسترسی اخذ می‌شد (برای، ۱۹۴۸، ۲۶۸). در این دوره، اسکندریه مهم‌ترین مرکز اخذ عوارض در مدیترانه بود و به همین سبب رونق اقتصادی خاصی داشت (سالم، ۱۹۶۱، ۱۱۳).

رومیان یعنی بازرگانان بیزانسی و ایتالیایی مخصوصاً ژنوایی‌ها و ونیزی‌ها، برای کالاهایی که وارد بنادر مشرف به دریای مدیترانه در مصر می‌کردند، عوارض گمرکی (مکوس) می‌دادند که مخزومی به آن‌ها «خمس رومی» گفته است (مخزومی، ۱۹۸۶، ۴۵). این بازرگانان چون غیرمسلمان بودند عوارضی که می‌پرداختند ۳۵ درصد میزان کالاهایشان بود و گاهی به کمتر از ۲۰ درصد هم کاهش می‌یافت (برای، ۱۹۴۸، ۲۶۸). این نرخ متغیر نشان می‌دهد که به اقتضای مسائل سیاسی و اقتصادی، حکومت فاطمیان با همه‌تجار غیرمسلمان یکسان رفتار نمی‌کردند و مقدار عوارض دریافتی به عوامل سیاسی و اقتصادی بستگی داشت (سید، ۱۴۰۰، ۴۸۹). برای مثال به تاجران سرزمین‌هایی که کالاهای ضروری مصر را وارد می‌کردند، مانند صنایع نظامی و... تخفیف داده می‌شد (برای، ۱۹۴۸، ۲۶۸). به همین علت راجر دوم به مردم شهر سالرنو وعده داد تا برای آن‌ها نیز از دولت فاطمی در پرداخت خمس رومی تخفیف بگیرد، به طوری که بازرگانان این شهر در بندر اسکندریه همان مبلغی را بپردازند که مردم سیسیل می‌پرداختند (برای، ۱۹۴۸، ۲۶۸). راجر دوم، نخستین پیمان بازرگانی میان

قدرت مسیحی غرب با مصر را امضا کرده بود. نظام گمرکی در مصر، از حیث اقتصادی نقش‌های دیگری را هم ایفا می‌کرد. برای مثال یکی از وظایف مأموران گمرک مشخص کردن نیازهای دولت مرکزی بود و مقدار آن را هم کنترل می‌کرد (ابن‌ممتی، ۱۴۱۱ق، ۳۲۷). این نظام، سیستم بسیار مؤثری در جلوگیری از قاچاق کالاها (مقلومه التهریب) بود و امکان کنترل ارزش واقعی کالاهای وارداتی از طریق زمینی را فراهم می‌کرد. نقش مهم نظام گمرکی فاطمیان در تأمین امنیت اقتصادی قابل ملاحظه است، هرچند در نگاه اول به نظر می‌رسد که وجود سیستم گمرکی در مرز، بیشتر جنبه سیاسی و امنیتی دارد و مرزها را کنترل می‌کند (براوی، ۱۹۴۸، ۲۷۰).

امنیت اقتصادی و اصلاح شیوه‌های مالیات‌ستانی در عصر اول

فاطمیان

شیوه حکومت‌های اسلامی در مالیات‌ستانی به دو صورت بود: یا به‌طور مستقیم و توسط عاملان حکومتی، مالیات‌ها اخذ می‌شد یا از طریق سیستمی با عنوان «ضمان» این امر صورت می‌گرفت. در شیوه اخیر، ضامن یا متقبل تعهد می‌کرد که سالیانه مبلغ مالیات منطقه خاصی را پردازد. این مبلغ معمولاً کمتر از درآمدی بود که ضامن از این منطقه به‌دست می‌آورد و مازاد را برای خود بر می‌داشت (براوی، ۱۹۴۸، ۳۲۲). شواهد تاریخی نشان می‌دهد فاطمیان از این شیوه مالیات‌ستانی استفاده می‌کردند. در سال ۳۶۳ ق و در زمان المعز، همه موقوفات به محمدبن قاضی ابوطاهر ذهلی به مبلغ دو میلیون و ۵۰۰ هزار درهم به ضمان داده شد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲/۲۹۵). خلیفه العزیز نیز دارایی‌های حکومت را به عده‌ای از کارگزاران از جمله علی‌بن عدّاس در سال ۳۸۰ ق به ضمان داد و پس از پایان یافتن سال، دخل و خرج حاصل از این ضمان





را مورد بررسی قرار داد (ابن صیرفی، ۱۹۲۴، ۲۴). هدف از به‌کارگیری این نظام مالی، سهولت در امر مالیات‌ستانی بود؛ علاوه بر این، کوتاه‌ترین مسیر برای برقراری توازن در بودجه سالیانه و پرداخت مقرری حقوق‌بگیران به‌ویژه سپاهیان محسوب می‌شد که در تأمین امنیت اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کرد. از نوشته‌های ناصر خسرو می‌توان چنین استنباط کرد که تعداد این مقرری‌بگیران زیاد هم بوده و اصطلاحاً دولت بزرگ بوده است. او تعداد سپاهیان المستنصر را در مراسم رکوب فتح‌الخلیج بسیار زیاد توصیف می‌کند و سپس می‌نویسد: «و این همه لشکر روزی خور سلطان بودند و هر یک را به‌قدر مرتبه مرسوم و مشاهره معین بود که هرگز براتی به یک دینار بر هیچ عامل و رعیت ننوشتندی؛ الا آنکه عمال آنچه مال ولایات بودی سال‌به‌سال تسلیم خزانه کردند و از خزانه به‌وقت معین ارزاق این لشکرها بدادندی چنانکه هیچ علمدار و رعیت را از تقاضای لشکری رنجی نرسیدی» (ناصر خسرو، ۱۳۳۵، ۶۰). سپاهیان و دیوانیان مهم‌ترین گروه حقوق‌بگیران بودند. حقوق دریافتی برخی از این افراد در زمان فاطمیان رقم‌های بسیار بالایی بوده است. دکتر محمدصالح در کتاب التشیع المصری الفاطمی مبلغی را که یکی از وزرای فاطمی به‌طور متوسط در سال دریافت می‌کرده معادل ۴۲/۵۰۰ کیلو طلا برآورد کرده است (صالح، ۲۰۰۳، ۳۹۸/۳).

در مصر، متولی خراج در آغاز هر سال در جلسه‌ای با حضور بزرگان، مبلغ خراج هر منطقه را اعلام می‌کرد و هر یک از افراد حاضر، اعم از مسلمان و ذمی، پرداخت خراج یک منطقه را متقبل می‌شدند. فرد متقبل از اموال خود، مبلغ خراج را به دولت می‌پرداخت و پس از آن در مواعدهای مقرر (معمولاً در سه قسط) خراج را از کشاورزان منطقه جمع‌آوری می‌کرد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۸/۲). در این شیوه، دولت از رویارویی مستقیم با رعایا برکنار می‌ماند و زودتر از موعد به کل مال مقرر خراج

دست می‌یافت و فرد ضامن پس از جمع‌آوری خراج و محاسبه آن در صورتی که بیشتر از تعرفه ثابت، به دست می‌آورد، مبلغ مابه‌التفاوت را یا صرف خدمات عمرانی منطقه می‌کرد، مثل ساختن راه‌ها و کانال‌های آب و پل‌ها یا به حساب اموال شخصی خود درمی‌آورد (ابریشم کار، ۱۳۷۵، ۶۹۵۷).

باتوجه به اینکه مصر از آغاز فتح، سرزمینی خراج‌محور بود، نظام قباله زمین، امر گردآوری خراج را تسهیل می‌کرد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۱۱۵/۱). توازن بودجه در نظام «ضمان» ساده‌تر از شیوهٔ تحصیل مستقیم مالیات بود و دولت می‌توانست مقرری حکومتیان، مخصوصاً مقرری سپاه را - که در تأمین تثبیت حکومت و امنیت مردم حائز اهمیت بود- به موقع بپردازد. معمولاً اداره هر منطقه به همان فردی واگذار می‌شد که «ضامن» شده بود و این شیوهٔ مدیریت به دلیل لزوم پاسخگوبودن ضامن، منطقی و کارآمد بود. افراد «ضامن» معمولاً سرمایه‌دارانی بودند که دارایی‌های خود را در زمینه‌های اقتصادی به کار می‌انداختند، لذا توان آن را داشتند که چنین التزامات مهمی را قبول کنند و از این طریق سود سرشاری به دست می‌آوردند (سید، ۱۴۰۰، ۴۷۵). مقریزی به همین علت نظام مالیات‌ستانی ضمان در عصر فاطمیان را بهتر از اقطاع عصر خودش می‌داند (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۸/۲).

تأمین امنیت اقتصادی از طریق بهینه‌کردن مخارج دولتی و توازن بودجه

اقتصاددانان یکی از مهم‌ترین کارکردهای حکومت اسلامی را تخصیص بهینه منابع، به‌ویژه منابع کمیاب و درآمدهای مالیاتی می‌دانند (چابرا، ۱۳۹۳، ۲۰۷). انجام وظایف حکومت از جمله مدیریت بهینه منابع اقتصادی، مستلزم در اختیار داشتن





درآمدهای کافی و در کنار آن مدیریت صحیح این درآمدها از جمله سرمایه گذاری در امور زیر بنایی است تا بتواند تأمین کننده امنیت در حوزه اقتصادی باشد.

تخصیص بخشی از مخارج دولتی به احداث بناهای تمدنی در حکومت فاطمیان به بهترین شکل انجام گرفت. جوهر سیسیلی فاتح سرزمین مصر، با توصیه خلیفه، ساخت شهر قاهره را در هفدهم شعبان سال ۳۵۸ ق آغاز کرد (سخاوی، ۱۴۲۲ق، ۲۳۹).

فاطمیان بناهای زیادی را در قاهره ساختند که از میان آنها، مسجد الأزهر برجسته ترین نمونه به حساب می آید. مسجد جامع الأزهر، اولین مسجد جامع رسمی دولت فاطمیان هم توسط جوهر سیسیلی (صقلی)، در قاهره بنا گردید. العزیز فاطمی یادگیرندگان علم و دانش در الأزهر را از شرقی ترین نقطه مانند چین تا مناطق غربی مانند مغرب و افریقه و حتی اروپائیان شهریه می داد (الباشا و اخرون، بی تا، ۴۵۷). مؤسسه علمی دیگری که در دوره فاطمیان از جهت تنوع علمی و مذهبی، اهمیتی همانند الأزهر داشت، دارالعلم فاطمی بود. برخلاف الأزهر که غالباً یک نهاد مذهبی شناخته می شود، در مورد دارالعلم تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که نهادی فرامذهبی بوده که علاوه بر حضور دانشمندان از ادیان و مذاهب گوناگون، علوم مختلف نیز در آن تدریس و پژوهش می شده است. دارالعلم توسط الحاکم تأسیس گردید و موقوفات زیادی در فسطاط به آن تعلق داشت (مقریزی، ۱۳۹۷، ۴/۴۷۰). به گفته مقریزی نهمم موقوفات الحاکم مربوط به دارالعلم و کسانی که در آن علوم مختلف را یاد می گرفتند، بود (مقریزی، ۱۳۹۷، ۴/۴۷۱).

سرمایه گذاری برای انجام امور عمرانی جاری و خدمات عمومی رایج، از دیگر سرفصل های هزینه های حکومت فاطمیان بود. به عنوان نمونه ساخت و تعمیر پل های معروف به پل های سلطانی توسط حکومت انجام می شد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲/۷۹). تعداد پلهایی که ابن مماتی در کتاب قوانین الدواوین نام می برد نشان از کثرت اهتمام

خلفای فاطمی به عمران و آبادانی، به ویژه در بخش زراعت دارد (ابن ممتی، ۱۴۱۱ق، ۳۰۸-۳۰۷). بخش دیگری از هزینه‌های حکومت متعلق به پرداخت‌های انتقالی بود که در زمان فاطمیان اشکال متنوعی داشت. خلفای فاطمی به ویژه چند خلیفه اول در مصر، از هر فرصتی برای اطعام و بخشش به مردم استفاده می‌کردند. «در سال چهارصد و بیست و یک برای ولایتعهدی پسر الظاهر که هجده ماه داشت، بیعت گرفتند. الظاهر برای خلعت اهل دولت و اطعام و بخش مال میان عامه چندان خرج کرد که به وصف در نمی‌گنجد» (مقریزی، ۱۳۹۷، ۱۲۲/۴). العزیز خلیفه فاطمی به عمویش گفته بود: دوست دارم نعمت‌ها را در دستان مردم ظاهر بینم و همه آن‌ها طلا و نقره و جواهرات و اسب و مال و لباس فاخر داشته باشند. وقتی مردم این امکانات را دارند گویی من دارم (عیدروس، ۲۰۱۰، ۹۶). هزینه جشن‌ها و آیین‌های مذهبی و فرهنگی فاطمیان که رویکردی انتقالی داشت بخش عمده‌ای از مخارج حکومت را تشکیل می‌داد، به طوری که احتفالات فاطمیان مورد توجه خاص مورخان قرار گرفته است. مراسم و اجتماعات و جشن‌های فاطمیان به گشاده‌دستی ممتاز بود. فاطمیان به مناسبت این جشن‌ها، سکه‌های طلای کوچکی به نام «خراریب‌الذهب» ضرب می‌کردند که میان مردم توزیع می‌شد (ابن مأمون، ۱۹۸۳، ۹۵؛ مقریزی، ۱۴۱۸ق، ۳۶۵/۲). در عید غدیر، مجردین با هزینه حکومت ازدواج می‌کردند. ضعفاء و فقرا حتی غیرمسلمانان منتظر این عید بودند تا دختران خود را ازدواج دهند (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۳۴/۴). المعز مکان مخصوصی به نام دارالکسوه را ایجاد کرده بود که همه نوع لباس تابستانی و زمستانی و لباس عید، از زنانه و مردانه و بچه‌گانه وجود داشت و به مردم داده می‌شد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۳۰۲/۴). همه‌ساله از نیمه‌رجب به بعد مواد لازم برای تهیه شیرینی‌های جشن‌های میلاد ائمه علیهم‌السلام فراهم می‌شد که مهم‌ترین آن شکر، عسل، زعفران، آرد و قلوب (چیزی شبیه به پسته و فندق) بود (ابن طویر، ۱۴۳۰ق، ۱۴۴).





شیرینی‌های اعیاد در مساجد و در بین فقرا به صورت گسترده توزیع می‌شد (ابن‌مأمون، ۱۹۸۳، ۳۶). هزینه آنچه در دارالفطره پخته و میان مردم پخش می‌شد بالغ بر هفت هزار دینار بود (ابن‌طویر، ۱۴۳۰ق، ۱۴۶). گزارش‌های فراوانی از مخارج انتقالی فاطمیان به مردم در مناسبت‌های مختلف مذهبی و ملی در منابع تاریخی وجود دارد. دکتر صالح‌محمد بخشی از جلد سوم کتاب خود -التشیع المصری الفاطمی- را به این گزارش‌ها اختصاص داده است (رک. صالح، ۲۰۰۳، ۱۶۱/۳-۱۲۱).

تأمین امنیت اقتصادی از طریق توسعه دیوان‌های مالی و اقتصادی

نظام اداری مسلمانان در مصر بر پایه نظام عصر بیزانس سازمان یافت. فاطمیان همانند امویان و عباسیان اداره حکومت مرکزی خود را از طریق مجموعه‌ای از دیوان‌ها انجام می‌دادند که در دوره استقرار در افریقه پیچیده نبود. فرمانده فاطمیان بلافاصله پس از فتح مصر، از گروهی از دیوانیان معروف مانند یعقوب بن کلس که از قبل مصر را می‌شناخت و عامل مالی این منطقه بود و همچنین از عبدالله بن خلف المرصدی و عمر بن عمر العداس و به‌ویژه ابن فرات کمک خواست تا نظام اداری جدید مصر را بر اساس الگوی مطلوب مدنظر حکومت جدید پایه‌ریزی کنند (آینه‌وند و یوسفی‌فر، ۱۳۹۱، ۱۰۳/۱۲۸). زمانی که المعز فاطمی به مصر آمد یعقوب بن کلس توانست با درایت نظام اداری به‌جا مانده از دوره اخشیدیان را با مذهب اسماعیلی تلفیق و سیستم اداری مورد قبول خلیفه فاطمی را طراحی کند (آینه‌وند و یوسفی‌فر، ۱۳۹۱، ۱۰۳/۱۴۵).

قدیم‌ترین منبعی که درباره دیوان‌های عصر اول فاطمیان سخن به میان آورده، اخبار مصر مسیحی است که فقط از هشت دیوان نام برده است با عناوین زیر: دیوان احباس یا اوقاف (مسیحی، ۲۰۱۴، ۴۰/۷۹؛ دیوان برید (مسیحی، ۲۰۱۴، ۴۰/۳۵ و ۷۲)؛ دیوان ترتیب (مسیحی، ۲۰۱۴، ۴۰/۱۲۳)؛ دیوان جیش یا سپاه (مسیحی، ۲۰۱۴، ۴۰/۱۰۶)؛ دیوان

خراج (مسبحی، ۲۰۱۴، ۱۳/۴۰ و ۱۶ و ۹۳)؛ دیوان شام (مسبحی، ۲۰۱۴، ۳۵/۴۰ و ۷۲ و ۱۱۲)؛ دیوان عرائف (مسبحی، ۲۰۱۴، ۹۴/۴۰)؛ و دیوان کتامیان (مسبحی، ۲۰۱۴، ۱۳/۴۰ و ۳۳ و ۵۵). ابن خلکان، ابن میسر و مقریزی از دیوان‌های دیگری هم در عصر اول فاطمیان نام برده‌اند از جمله دیوان‌های: مفرد (مقریزی ۱۴۱۶ق، ۸۱/۲)؛ نفقات (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ۴۰۸/۱؛ مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۴۸/۲ و ۹۰)؛ دیوان ام‌الخلیفه المستنصر (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۱۹۵/۲)؛ و دیوان خاص (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۲۴۹/۲). دیوان‌هایی با اسامی دیوان اولیاء کبار، دیوان طحاویه (ظاهریه) و دیوان فرحی نیز از جمله مواردی هستند که نام آن‌ها در «السجل المنشور» صادرشده از طرف الظاهر فاطمی آمده است (سید، ۱۴۰۰، ۳۲۳). از آنجا که قلقشندی انشاء را در رأس سایر دیوان‌های فاطمیان آورده است، می‌توان این دیوان را هم به لیست دیوان‌های فاطمیان در این دوره اضافه کرد (قلقشندی، ۱۳۳۲-۱۳۳۸، ۳۵۹/۱۰-۳۵۸). از عناوین نام‌گذاری شده بر روی دیوان‌های فاطمیان می‌توان حدس زد این دیوان‌ها با هدفی خاص و با توجه به نیاز تأسیس می‌شده‌اند، پس منطقی است که با تحقق یافتن آن هدف یا رفع مسئله شکل‌گیری دیوان، می‌توانسته منحل شود. همچنین اهمیت منطقه شام را به عنوان تنها منطقه دارای دیوان مستقل از حکومت مرکزی فاطمیان را روشن می‌سازد و بیان می‌کند که دیوان‌های دولتی در عصر فاطمیان به تدریج دچار تغییرات و تعدیلات می‌شده‌اند. تنظیمات متبحرانه‌ای که یعقوب بن کلس و عسلوج بن حسن نسبت به تشکیلات اداری و مالی مصر اعمال کردند، شالوده نظام اداری فاطمیان در مصر را استوار کرد و اصلاحات اداری بدرالجمالی آن را مجدداً سازماندهی کرد.

دیوان خراج در آن دوره مانند وزارت دارایی امروز عمل می‌کرد، زیرا بر امور مالی ایالت‌ها نظارت داشت و صورت هزینه‌ها و درآمدها در آن ثبت می‌شد. ابن خلدون وظیفه این دیوان را «انجام کارهای خراج‌ستانی و حفظ حقوق دولت در





دخل و خرج» می‌داند (ابن‌خلدون، ۱۳۴۵، ۴۶۵/۱). در مصر، هر اقلیم، دیوانی جداگانه داشت که زیرمجموعه دیوان مرکزی خراج محسوب می‌شدند. دیوان خراج مرکزی تمام اطلاعات زمین‌ها و مقادیر خراج همه ولایات را ثبت می‌کرد و بخشی از خراج ولایات را می‌گرفت (عبدالمجید سلام، ۱۹۷۱، ۱۰۱).

«دیوان خاص» نیز که متصدی آن در زمان الحاکم بأمرالله، عیسی‌بن‌نسطورس بوده است (ابن‌میسر، ۱۹۸۱، ۱۷۹)، وظیفه‌اش کنترل و تأمین هزینه‌های شخصی خلیفه بوده است (شهیدی‌پاک، ۱۳۹۲، ۱۷۶) و احتمالاً بخشی از این هزینه‌ها را از مالیات‌های شرعی اسماعیلیان تأمین می‌کرده است. مسیحی از وجود خزانه خاصه در زمان الظاهر خبر می‌دهد (مسیحی، ۲۰۱۴، ۱۱۳/۴۰). «دیوان مجلس» از دیگر دیوان‌های اقتصادی فاطمیان است که بنیاد دیگر دیوان‌هاست. همه آنچه را که به هزینه‌های سیاست‌های عمومی مربوط می‌شد در بر می‌گرفت. از مهم‌ترین کارهای این دیوان تعیین «استیمار» یا بودجه عمومی حکومت بود که سالیانه در ذی‌حجه تنظیم می‌شد (مقریزی، ۱۳۹۷، ۲۶۲/۲-۲۶۱). جداول موازنه سالیانه فاطمیان را نداریم؛ اما از مطلب فوق مشخص می‌شود که هر نوع درآمدی، اختصاص به نوعی خاص از هزینه‌ها داشته است. در سال‌هایی که خزانه فاطمیان خالی می‌شد و به عبارتی با کسری بودجه مواجه می‌شدند جشن‌ها، اعیاد و مناسبت‌های مذهبی شیعیان و مسیحیان تحت تأثیر قرار می‌گرفت و تعظیم شعائر کم‌رنگ می‌شد. بعضی هزینه‌ها هم مانند هزینه‌های برقراری امنیت در ابعاد مختلف و هزینه افزایش قاضیان برای برخورد با شورش‌ها و متمرّدین اضافه می‌شد که در دوره عادی وجود نداشتند. بدل و بخشش‌های خلفا به انواع کارگزاران نیز در این ایام کم می‌شد یا قطع می‌گردید و نفوذ خلیفه و اوامر او کاهش می‌یافت (سید الصاوی، ۱۹۸۸، ۱۴۸).

دیوان مفرد نیز از جمله دیوان‌های اقتصادی بود که در بازتوزیع نقدینگی و تأمین امنیت اقتصادی نقش مهمی داشت. یک اقتصاد خوب نیازمند نهادهای کارآمد است

(عطارزاده و سیدحسینی، ۱۳۹۱، ۸۵/۶). نهادسازی برای مبارزه با فساد مالی از کارویژه‌های اساسی همه حکومت‌های مقتدر است (عطارزاده و سیدحسینی، ۱۳۹۱، ۱۲/۶). چنین کارکردی در حکومت فاطمیان، از طریق نهادی با عنوان «دیوان مفرد» انجام می‌گرفت. مصادره اموال و مایملک رجال و بزرگان حکومتی به منظور تنبیه ایشان، از صدر اسلام و از دوره خلیفه دوم وجود داشت (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۱۴۰/۲؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ۲۳۳/۳). اصطلاح مصادره برای جریمه صاحب‌منصبان خاطی دولتی به کار می‌رفته است که از محل منصبی که داشتند اموال نامشروع کسب می‌کردند (قربانی حصارى، ۱۳۹۵، ۴۸). نقدینگی حاصل از این مجازات، آنچنان قابل توجه بود که توجه حکومت‌ها را به این مقوله به‌عنوان یک منبع درآمدی به‌خود جلب کرد. در مصر و قبل از فاطمیان هم مصادره اموال رجال درباری و بازرگانان ثروتمند وجود داشت (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ۴۳/۴). اولین مصادره اموال توسط فاطمیان، مصادره ۵۰۰ هزار دینار از اموال یعقوب‌بن‌کلس وزیر بود که توسط العزیز بالله صورت گرفت (نوبری، ۱۴۲۳ق، ۱۵۹/۲۸). بدرالجمالی نیز پس از برقراری امنیت در مصر، اموال تعداد زیادی از متخلفان اقتصادی در اسکندریه را مصادره کرد (طغوش، ۲۰۰۷، ۳۴۱).

الحاکم بامرالله به‌منظور سامان‌دادن به این اموال که در زمان او افزایش چشمگیری یافته بود نهادی تأسیس کرد که «دیوان مفرد» نام گرفت (مقریزی، ۱۴۱۶ق، ۸۱/۲؛ قلقشندی، ۱۳۳۲، ۵۲۴/۳). تأسیس «دیوان مفرد» توسط الحاکم در سال ۴۰۰ ق فارغ از جنبه‌های اخلاقی و سیاسی آن، هم در زمان حاکمیت خودش و هم در دوره‌های بعد، راه‌حلی برای بازگرداندن طلاهای انباشته شده توسط ثروتمندان به چرخه مبادلات اقتصادی و یکی از مهم‌ترین اقدامات فاطمیان در جهت تأمین امنیت اقتصادی این دوره بوده است.



نتیجه‌گیری

امنیت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف سه‌گانه نظام اقتصادی اسلام، به شیوه‌های گوناگون مورد توجه حکومت شیعه مذهب فاطمیان مصر بوده است. فاطمیان موفق شدند نظام مالیاتی مستقر در مصر را به گونه‌ای با فقه اسماعیلی تلفیق کنند که موجب افزایش شاخص‌های ارتقاء امنیت اقتصادی در این سرزمین گردند. قاضی نعمان، فقیه مشهور فاطمیان، حتی در نحوه مصرف مالیات‌های شرعی مانند زکات که موارد مصرف خاص دارند دست خلیفه را باز می‌گذارد تا مصلحت مسلمین را در نظر بگیرد. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهند در مواقع تنگناهای اقتصادی، خلفای فاطمی مالیات‌های ویژه اسماعیلیان را هم به جهت رفاه حال مردم می‌بخشیدند. چنین عملکردی نشان می‌دهد امنیت اقتصادی نسبت به خود اخذ مالیات‌های شرعی در اولویت بوده است و وضع و حال پیروان اسماعیلی مورد توجه خلفای فاطمی قرار داشته است. نمونه‌های تاریخی از لغو این گونه مالیات‌ها در حکومت فاطمیان در منابع فراوان است. مهم‌ترین اصلاحات فاطمیان در نظام مالیاتی مربوط به مالیات‌های غیر شرعی بود که بازتعریف مجدد این مالیات‌ها موسوم به مکوس سبب می‌شد تا درآمدهای حکومت، وابستگی کمتری به بلایای طبیعی داشته باشد، بنا به اقتضات سیاسی و اقتصادی نرخ‌های متغیری برای آن‌ها تعریف شود، از قاچاق کالا جلوگیری شود و امکان کنترل ارزش واقعی کالاهای وارداتی فراهم گردد. توسعه دیوان‌های مالی نیز توازن بودجه را تسهیل، شیوه‌های مالیات‌ستانی را عادلانه‌تر و برگشت طلاهای گنز شده به چرخه تبادلات اقتصادی را میسر نمود که همه این موارد از شاخص‌های ارتقاء امنیت اقتصادی محسوب می‌شوند.



منابع

* قرآن كريم.

١. ابن اياس، محمد بن احمد، **بدائع الزهور في وقائع الدهور**، الجزء الاول، القسم الاول، محقق محمد مصطفى، الطبعة الاولى، المعهد الألماني للأبحاث الشرقية، بيروت، فرانز شتاينر، بى تا.
٢. ابن حوقل، محمد، **صورة الأرض**، مجلد الاول، الطبعة الثانية، بيروت، دار صادر، ١٩٣٨م.
٣. ابريشم كار، صديقه، «مدخل خراج»، **دانشنامه جهان اسلام**، ج ١، ١٣٧٥ ش.
٤. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، **مقدمه**، ترجمة محمد پروين گنابادى، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، چ دوم، ١٣٤٥ ش.
٥. ابن خلكان، أحمد بن محمد، **وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان**، المجلد الخامس، محقق إحسان عباس، بيروت، دار صادر، ١٩٩٤ م / ١٣٦٤ ق.
٦. ابن سعد، محمد، **الطبقات الكبرى**، المجلد الثالث، طبعه الأولى، محقق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٩٩٠ م / ١٤١٠ ق.
٧. ابن صيرفى المصرى، ابوالقاسم، على بن منجب، **الإشارة إلى من نال الوزارة**، المجلد الخامس والعشرون، بتحقيقه و التعليق عليه: عبدالله مخلص، قاهره، المعهد العلمى الفرنسى للأثار الشرقى، ١٩٢٤ م.
٨. ابن طوير، عبدالسلام بن حسن، **نزهة المقلتين في أخبار الدولتين**، بيروت، المعهد الألماني للأبحاث الشرقى، ١٤٣٠ ق / ٢٠١٠ م.
٩. ابن مأمون البطائحي، جمال الدين ابو على موسى، **نصوص من اخبار مصر**، تحقيق ايمن فؤاد سيد، قاهره، المعهد العلمى الفرنسى للأثار الشرقى، ١٩٨٣ م.
١٠. ابن ممتاى، اسعد بن مهذب، **قوانين الدواوين**، محقق عطيه، عزيز سورىال، الطبعة الاولى، قاهره، مكتبة مدبولى، ١٤١١ ق / ١٩٩١ م.



۱۱. ابن میسر، محمد بن علی، **المنتقى من اخبار مصر**، قاهره، المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقيه، ۱۹۸۱م.
۱۲. ابو عبید، قاسم بن سلام، **الأموال**، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۱۳. ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم، **الخراج**، ترجمه میرعلی اصغر شعاع، افغانستان، نشر اخبار ثروت، ۱۳۳۵ش.
۱۴. آیینه‌وند، صادق، یوسفی فر، شهرام، «تعامل دیوانیان و نظامیان در دوره اول خلافت فاطمیان در مصر»، **تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء**، سال ۲۲، ش ۱۵، پیاپی ۱۰۳، ۱۳۹۱ش، صص ۱۳۰-۱۱۳.
۱۵. باشا، حسن و فهمی، عبدالرحمن و علی یوسف عبدالرئوف و عبدالرحیم علیوه، حسین و نجیب، محمد مصطفی، **القاهره تاریخها، فنونها و آثارها**، قاهره، مکتبه الاسکندریه مؤسسه الاهرام، ۱۹۷۰م.
۱۶. براوی، راشد، **حاله مصر الاقتصادیه فی عهد الفاطمیین**، قاهره، ناشر مکتبه النهضة المصریه، ۱۳۶۸ق/۱۹۴۸م.
۱۷. تطیلی، بنیامین بن یونه، **رحلة بنیامین التطیلی**، محقق: شیخ، عبدالرحمن عبدالله، ابوظبی - امارات، المجمع الثقافی، ۲۰۰۲م.
۱۸. جیهانی، ابوالقاسم احمد، **اشکال العالم و آداب و رسوم اجتماع سرزمین های اسلامی**، تصحیح و حواشی: فیروز منصور، مشهد، شرکت به نشر، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ش.
۱۹. چاپرا، محمد عمر، **دولت رفاه اسلامی و نقش آن در اقتصاد**، ترجمه محمد جواد مهدوی، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۳ش.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، تصحیح مؤسسه آل البیت علیهم السلام، مجلد التاسع، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.

٢١. حموده، عبدالحميد حسين محمود، الحضارة الإسلامية في اقليم الدلتا في العصر الفاطمي، القاهرة، دار الأفاق العربية، ٢٠١٤م.
٢٢. حميرى، محمد بن عبد المنعم، الروض المعطار في خبر الأقطار، مصحح: احسان عباس، بيروت، مكتبة لبنان ناشرون، الثانية، ١٩٨٤م.
٢٣. سالم، السيد عبدالعزيز، تاريخ الاسكندرية و حضارتها، اسكندرية، مؤسسة شباب الجامعة، ١٩٦١م.
٢٤. سخاوى، محمد بن عبد الرحمن، البلدانيات، محقق: قطان، حسام بن محمد، رياض، دار العطاء، ١٤٢٢ق/٢٠٠٢م.
٢٥. سرور، محمد جمال الدين، الدولة الفاطمية في مصر، سياستهم الداخليه و مظاهر الحضاره في عهدها، قاهره، كلية الآداب، جامعه القاهرة، دار الفكر العربى، ١٩٦٦-١٩٦٥م.
٢٦. سيد، ايمن فؤاد، دولت فاطميان در مصر، تحليلي جديد، ترجمه اسماعيل باغستاني، تهران، نشر ني، ١٤٠٠ش.
٢٧. سيد صاوى، احمد، مجاعات مصر الفاطمية اسباب و نتائج، بيروت، دار التضمان، ١٩٨٨م.
٢٨. شهيدى پاك، محمد رضا، تاريخ تشكيلات در اسلام، قم، مركز بين المللى ترجمه و نشر المصطفى، ١٣٩٢ش.
٢٩. صالح، حسن محمد، الشيع المصرى الفاطمى (إشعاع حى و حضارى: مائتان و عشر سنوات من الإبداع الإنسانى)، مجلد الثالث، الطبعة الاولى، بيروت، دار المحجة البيضاء، ٢٠٠٣م.
٣٠. صدر، كاظم، اقتصاد صدر اسلام، تهران، مركز چاپ و انتشارات دانشگاه شهيد بهشتى، ١٣٧٤ش.



۳۱. طقوش، محمدبن سهیل، **تاریخ الفاطمیین فی شمالی افریقیه و مصر و بلاد الشام** (۵۶۷-۲۹۷)، الطبعة الثانية، بیروت، دار النفائس، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م.
۳۲. عطارزاده، بهزاد، سیدحسینی، سیدمصطفی، «دولت، توسعه و اصلاحات مالی در فضای جهانی شده»، **مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی**، دوره ۳، ش ۶، ۱۳۹۱ش، صص ۷۶-۹۵.
۳۳. عبدالمجید سلام، حوریه عبده، «**الحیاه الاقتصادیه و الاجتماعیه فی مدینه الفسطاط حتی العصر الفاطمی**»، رساله للحصول علی درجه الماجستیر، اشراف: دکتر حسن احمد محمود، جامعه القاهره کلیه الآداب، ۱۹۷۱م.
۳۴. عیدروس، محمدحسن، **الدولة الإسلامية الخامسة: الخلافة الفاطمية، أسرة الإمام محمد المکتوم بن إسماعیل العلویة**، قاهره، دارالکتاب الحدیث، ۲۰۱۰م.
۳۵. غفاری، هادی، **نظام اقتصادی در صدر اسلام**، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶ش.
۳۶. قاضی نعمان، **افتتاح الدعوة**، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م.
۳۷. قاضی نعمان، **الهمة فی آداب اتباع الائمة**، محقق: محمد کامل حسین، بی‌جا، دار الفکر العربی، بی‌تا.
۳۸. قربانی حصارى، مهدی، «مصادره اموال: اهداف و کارکردهای سیاسی و اقتصادی آن در عصر عباسی (از آغاز تا پایان سده پنجم ق)»، **تاریخ و تمدن اسلامی**، سال ۱۲، ش ۲۳، ۱۳۹۵ش، صص ۴۷-۶۹.
۳۹. قلقشندی، احمدبن علی، **صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء**، مجلد العاشر، قاهره، دار الکتب المصریة، ۱۳۳۲-۱۳۳۸ق/۱۹۱۴-۱۹۲۲م.
۴۰. گودرزی، سعید، الهدادی، نورالدین، **نابرابری و امنیت در سطوح خرد و کلان (بررسی نظری و تجربی)**، تهران، نشر اندیشه احسان، ۱۳۹۸ش.

٤١. ماجد، عبدالمنعم، **نظم الفاطميين و رسومهم في مصر**، قاهره، مكتبه الأنجلو المصرية، ١٩٥٣م.
٤٢. ماجد، عبدالمنعم، **السجلات المستنصرية (سجلات و توقيعات و كتب لمولانا الامام المستنصر بالله اميرالمومنين الى دعاه اليمن و غيرهم)**، قاهره، دارالفكر العربي، ١٩٥٤م.
٤٣. متر، آدام، **تمدن اسلامي در قرن چهارم هجري**، ترجمه عيرضا ذكاوتي قراگزلو، تهران، امير كبير، ١٣٨٨ش.
٤٤. مخزومي، علي بن عثمان، **المنتقى من كتاب المنهاج في علم خراج مصر**، تحقيق كلود كاهن و مراجعه يوسف راغب، قاهره، المعهد العلمي الفرنسي للآثار الشرقية، ١٩٨٦م.
٤٥. مسبّحي، محمد بن عبيدالله بن احمد، **الجزء الأربعون من اخبار مصر**، قاهره، دارالكتب و الوثائق القومي، ١٤٣٦ق/٢٠١٤م.
٤٦. مقدسي، ابو عبدالله محمد بن احمد، **احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم**، ج ٢، ترجمه علي نقى منزوي، تهران، شركت مؤلفان و مترجمان ايران، ١٣٦١ش.
٤٧. مقرزي، تقى الدين أحمد بن علي، **إغاثة الأئمة بكشف الغمة أو تاريخ المجاعات في مصر**، بيروت، المكتبة العصرية، شركة ابناء الشريف الانصارى للطبع و النشر و التوزيع، ١٤٢٩ق.
٤٨. مقرزي، تقى الدين أحمد بن علي، **اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء**، المحقق الجزء ١: جمال الدين الشيال (أستاذ التاريخ الإسلامي وعميد كلية الآداب- جامعة الإسكندرية)، قاهره، مؤسسة دارالتحرير للطبع و النشر مطابع شركة الاعلانات الشرقية، ١٣٨٧ق/١٩٦٧م.
٤٩. مقرزي، تقى الدين أحمد بن علي، **اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء**، الطبعة الأولى، المحقق الجزء ٢ و ٣: محمد حلمي محمد أحمد (أستاذ التاريخ



الإسلامی-كلية دارالعلوم، جامعة القاهرة)، قاهره، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية-لجنة إحياء التراث الإسلامي ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.

۵۰. مقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی، **المواعظ و الإعتبار بذكر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقریزية**، محشی: خليل منصور، بیروت، دار الکتب العلمیة. ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م.

۵۱. مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، **پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، (ترجمه خطط مقریزی)**، به تصحیح گاستون ویت، ترجمه پرویز اتابکی، ج ۲ و ۴، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۷ش.

۵۲. مونس، حسین، **تاریخ و تمدن مغرب**، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۲، تهران، سمت، ۱۳۹۰ش.

۵۳. ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین حمیدالدین، **سفرنامه**، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتاب‌فروشی زوار، چاپ سپهر، ۱۳۳۵ش.

۵۴. نوری، شهاب‌الدین احمد، **نهایه الارب فی فنون الادب**، الجزء الثامن و العشرون، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومیة، ۱۴۲۳ق.

۵۵. واکر، پل ارنست، **پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی، تاریخ فاطمیان و منابع آن**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزاد روز، ج ۲، ۱۳۹۸ش.

۵۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق، **البلدان**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ش.

۵۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۱۲، ۱۳۹۵ش.

۵۸. Goitein, S.D., "From the Mediterranean to India: Documents on the Trade to India, South Arabia, and East Africa from the Eleventh and Twelfth Centuries", *Speculum* XXXIX (1954), pp.181-197.